



دیدگاه

موضوع: ضرورت تدوین برنامه تامین مالی میان مدت و بلندمدت برای بخش صنعت و معدن در راستای توسعه پایدار این بخش	شماره: ۸۶۶
	تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۲۲

تهیه و تنظیم: مجتبی یوسفی دیندارلو

توضیح اجمالی:

همواره از بخش صنعت و معدن بواسطه ارتباط تنگاتنگ با متغیرهای حقیقی اقتصاد نظیر جریان حقیقی تامین کالا، تولید، مصرف، اشتغال پایدار، بازرگانی داخلی و خارجی، به عنوان بخش پیشران اقتصاد یاد می شود. از این رو، تامین مالی این بخش علاوه بر آثار اقتصادی خرد در قالب فعالیت های بنگاهی، منجر به دستیابی به اهداف کلان اقتصاد ملی خواهد شد و دلالت های اصلی سایر بخش های اقتصادی بویژه بخش خدمات، وابسته به عملکرد این بخش است. علیرغم متصور بودن چنین جایگاهی برای بخش صنعت و معدن، تامین مالی این بخش از روند رو به رشد پایداری برخوردار نبوده است. اگرچه همواره سیاست گذاری دستوری مانند تخصیص بخشی از اعتبارات به این حوزه، پرداخت یارانه سود تسهیلات، استفاده از وجوه اداره شده و نیز بهره برداری از منابع صندوق توسعه ملی از طریق بانک های عامل موجب هدایت تسهیلات به این بخش شده است اما حوزه های ارزش زا و توام با ریسک بالا نظیر ورود فناوری های جدید به این بخش، بنگاه های صنعتی کوچک و متوسط، سرمایه گذاری های ایجاد و توسعه ای، از امتیاز تامین مالی موثر برخوردار نبوده و عمدتاً برآورده شدن نیاز آن ها در قالب برنامه های مقطعی مورد توجه قرار گرفته اند.

در دور جدید تحریم ها و با توجه به اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران، شاخص قیمت تولیدکننده در بهار ۱۳۹۸ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۷۰ درصد رشد داشته است که عمدتاً متأثر از افزایش ۳ برابری نرخ ارز، دشوار شدن انتقال ارز، افزایش هزینه های مبادلاتی (از حدود ۴ درصد قبل از تحریم ها به ۱۰ الی ۲۰ درصد)، زمان بر شدن فرایند واردات و نیاز به افزایش موجودی مواد اولیه بوده است. علاوه بر آن، کاهش قدرت خرید خانوار و افزایش ناخواسته موجودی انبار کالای ساخته شده نیز از دیگر علل گند شدن سرعت گردش سرمایه در گردش در بنگاه های صنعتی بودند که پیگیری موثرتر راهبردها و سیاست های تامین مالی این بخش را بسیار ضروری می ساخت. از این رو، وزارت صنعت، معدن و تجارت در برنامه رونق تولید خود در سال ۱۳۹۸، میزان نقدینگی مورد نیاز بخش را بصورت زیر برآورد نمود:

نقدینگی مورد نیاز بخش در سال ۹۸ = ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان

$$\left\{ \left(\frac{0.7}{100} \right) \times (\text{سهم نهاده های تولید}) \times \frac{1}{3} \times (\text{پیش بینی رشد در سال ۹۸}) \times 1100 \times (\text{ارزش تولیدات سال ۱۳۹۷}) \right\}$$

۷۰۰ هزار میلیارد تومان

سهم بانک (۷۰٪)

۳۰۰ هزار میلیارد تومان

آورده متقاضی (۳۰٪)

سرمایه در گردش سهم بانک

۳۵۰ هزار میلیارد تومان

(دو بار گردش در سال)

نکات کلیدی:

با توجه به عملکرد تامین مالی بخش صنعت و معدن، توجه به نکاتی در برآورد نقدینگی مورد نیاز بخش حائز اهمیت است:

- بر اساس اطلاعات منتشره از سوی بانک مرکزی، در پایان تیرماه ۱۳۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل، میزان تسهیلات اعطایی توسط شبکه بانکی به بخش صنعت و معدن با رشد حدود ۳۱ درصدی همراه بوده است. با لحاظ چنین



دیدگاه

نرخ رشدی برای کل سال ۱۳۹۸ نسبت به سال قبل از آن، کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سال ۱۳۹۸، حدود ۱۰۱۳۵ میلیارد ریال برآورد خواهد شد. این بدان مفهوم است که برای دو مورد سرمایه در گردش و تشکیل سرمایه ثابت مطابق با برنامه ارائه شده حدود ۴۳ درصد تسهیلات بانکی مورد نیاز است که با توجه به این واقعیت که بخش صنعت و معدن با لحاظ بخش نفت، طی ۱۰ سال گذشته همواره سهمی پایین تر از ۳۰ درصد داشته است لذا به نوعی برآورد موجود چندان تطابقی با واقعیت ندارد. شاهد دیگری بر این مدعا، سهم ۲۷،۵ درصدی تسهیلات اعطایی به این بخش در ۴ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۸ و سهم ۲۸ درصدی در مدت مشابه سال قبل است که نشان می‌دهد اهداف برنامه مذکور حداقل در ۴ ماهه ابتدای سال محقق نشده است.

■ یکی از اشکالات مهم برنامه‌ریزی تامین مالی در برنامه ارائه شده، عدم توجه به هزینه تامین سرمایه در گردش است. بر اساس مفروضات لحاظ شده در برنامه و با فرض نرخ سود تسهیلات سالانه ۲۰ درصد، می‌توان بیان داشت که به ازای هر یک میلیون تومان ارزش نهاده و کالای واسطه‌ای و مصرفی در حدود ۷۰ هزار تومان هزینه برای تولیدکننده ایجاد خواهد شد که می‌بایست به شبکه بانکی پرداخت شود. به عنوان نمونه، برای تولید یک خودروی ۵۰ میلیون تومانی این هزینه برابر با ۳،۵ میلیون تومان خواهد بود که هزینه مالی سنگینی به تولیدکننده تحمیل خواهد کرد. بنابراین، تلاش برای اخذ حداکثر تسهیلات از شبکه بانکی به تنهایی راهبرد مناسبی نبوده و می‌بایست به موازات آن با سیاست-گذاری مناسب تامین، فروش، انبارداری و افزایش درجه گردش سرمایه در گردش این هزینه کاهش یابد.

جمع‌بندی:

■ به موازات راهبرد صنعتی و معدنی و برنامه‌های عملیاتی بلندمدت و میان مدت، وجود راهبردها و برنامه‌های مدون بلندمدت و میان مدت برای تامین مالی بخش الزامی است تا جریان حقیقی برنامه‌ریزی صنعتی و معدنی بر مبنای یک بستر تامین مالی مشخص بنا شود. پیگیری برنامه‌های بخش حقیقی بر پایه روندهای غیرهمسو با شرایط صنعتی و معدنی و در قالب اقدامات مقطعی در نهایت باعث تبعات ضد توسعه‌ای برای بخش خواهد بود.

■ در حوزه تامین مالی بخش صنعت و معدن، موضوعات مختلف مانند تامین سرمایه در گردش، تامین مالی ایجاد، توسعه‌ای و نوسازی، تامین مالی شبکه‌ای، تامین مالی تخصصی بنگاه‌های کوچک و متوسط، توجه ویژه به تامین مالی سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حوزه صنعت و معدن، بسیار حائز اهمیت است که میتواند منشا جهش در نسبت ستانده به نهاده گردد. در این راستا ضرورت دارد تا با تجمیع کلیه حمایت‌های تامین مالی از جمله کمک‌های فنی و اعتباری، وجوه اداره شده، تخصیص دستوری، منابع صندوق توسعه ملی و سایر صندوق‌های موجود در قالب یک راهبرد جامع نگر و فراگیر، به نحوی عمل شود تا به تدریج سهم بخش صنعت و معدن از تسهیلات اعطایی به مقدار واقعی خود نزدیک شود. تاکید بر این نکته ضروری است که برنامه‌ریزی برای حوزه‌های حقیقی بخش صنعت و معدن در بستر برنامه غیرواقعی تامین مالی بجز سردرگمی، طرح‌های نیمه تمام و اولویت‌بندی نادرست ثمره مناسبی نخواهد داشت.

تأیید رئیس مؤسسه:

تأیید رئیس کارگروه دیدگاه: